

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال چهاردهم، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۹۹

صفحه ۲۱۷ تا ۲۳۶

مقایسه مواضع امام خمینی (ره) نسبت به مسئولان و کارگزاران سیاسی دوره پهلوی و جمهوری اسلامی

محمد لعل علیزاده / استادیار علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور m_lalalizadeh@yahoo.com

رامین داراب‌پور / کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور darabpoor@yahoo.com

چکیده

امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی نسبت به ساختار سیاسی رژیم پهلوی و گفتمان آن چالش‌هایی را وارد ساخته اند که منجر به وقوع انقلاب اسلامی گردید. امام با نگاه براندازانه و سلبی به رژیم پهلوی، الگوی مطلوبی را به عنوان نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه ارائه نموده اند. دیدگاه‌های ایشان نسبت به نظام پیشین این پرسش را مطرح ساخته است که: چه تفاوتی بین مواضع امام خمینی (ره) نسبت به زمامداران قبل و پس از انقلاب اسلامی وجود داشت؟ با تحلیل محتوا کیفی متن موصوف و تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی این فرضیه ارزیابی گردید: با توجه به تفاوت ماهیت دو نظام، نگاه انتقادی قبل از انقلاب به تدریج به نگاه براندازانه و مخالفت با رژیم پهلوی انجامید و در دوره انقلاب اسلامی نگاه اصلاحی و انتقادی امام در چارچوب نظام تبیین شد. فرضیه پژوهش با توجه به نظریه‌های محیط سیاسی، ماهیت سیاسی و جنبش‌های اجتماعی مورد تایید قرار گرفت؛ با استناد نظریه‌های محیط سیاسی شواهد تفاوت زمینه سیاسی دوره پهلوی با جمهوری اسلامی، تفاوت ماهیت نظام سیاسی (اقتدارگرایی/ ولایت فقیه) و با تکیه بر نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی تفاوت رفتارهای سیاسی در دو دوره (انقلابی/ اصلاحی) با توجه به نوع حکومت نشان داده شد.

کلیدواژه: امام خمینی (ره)، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، رژیم پهلوی، مسئولان و کارگزاران.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۰۲/۲۷

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۱۱/۲۳

مقدمه

مسئله تغییر و چرایی تغییر در اندیشه سیاسی امام موضوع بسیاری از پژوهش‌ها بوده است (کلانتر و موسوی، ۱۳۹۷؛ خاکسار، میراحمدی و صفوی، ۱۳۹۵؛ نادری باب اناری و حاجی حسن: ۱۳۹۵). تغییر و تطور در اندیشه سیاسی امام خمینی بر مبنای اجتهاد پویای ایشان در مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی و دور نشدن از احکام اسلامی بوده است. سازگاری اندیشه‌های امام با تحولات زمانه و تغییر و تطور در آنان هرگز به معنای گذار از جامعه دینی به جامعه عرفی و سکولار نیست. این تغییر در راستای کشف قوانین و مصلحت سنجی جامعه اسلامی بر مبنای عقل و شرع است که خود شاکله نظام اسلامی محسوب می‌گردد (عابدی و وزیری، ۱۳۹۹: ۱۹۶-۱۹۹). بر اساس این کشف و مصلحت سنجی و تفاوت زمینه‌ای و زمانی، تفاوت موضع‌گیری امام در دو دوره موضوع این پژوهش می‌باشد. درباره تفاوت نظام سیاسی و رژیم قبل و پس از انقلاب اسلامی دیدگاه‌هایی متفاوت وجود دارد. نگاه منفی و مثبت و یا ترکیبی به قبل و پس از انقلاب بیانگر تفاوت ساختار سیاسی می‌باشد. امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی که ساختاری سیاسی و گفتمان قبل از انقلاب را به چالش کشید و ساختار جدیدی را متناسب با اندیشه اسلامی طرح ریزی نمود، مواضع مختلف و متفاوتی نسبت به ساختار قبل و پس از انقلاب اسلامی داشته اند اما تفاوت این مواضع به معنای این نیست که نسبت به کلیه عملکرد و رفتارهای سیاسی پس از انقلاب اسلامی موضع مثبت و رضایت بخش دارند. در راستای این مسئله و برداشت‌های متفاوت در خصوص موضع‌گیری‌های امام، این پرسش اصلی طرح گردید: چه تفاوتی در موضع‌گیری امام نسبت به مسئولان در دو دوره متفاوت پیش و پس از انقلاب اسلامی وجود داشت؟ با هدف پاسخ به پرسش موصوف، فرضیه پژوهش چنین صورتبندی گردید: با توجه به تفاوت ماهیت دو نظام، نگاه انتقادی قبل از انقلاب به تدریج به نگاه براندازنه و مخالفت بارژیم پهلوی انجامید و در دوره انقلاب اسلامی نگاه اصلاحی و انتقادی امام در چارچوب نظام مطرح گردید. با توجه به جامعیت پیام‌ها و سخنرانی‌های امام در کتاب صحیفه، بررسی مقایسه‌ای تفاوت دو نگاه از محتوای ۲۲ جلد کتاب صحیفه دریافت گردید.

روش‌شناسی پژوهش

روش انجام پژوهش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای کیفی است. بنابراین پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی می‌باشد. تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد، نمود می‌یابد. بنابراین تحلیل

محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام مند، کدبندی، و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. همچنین یکی از ویژگی‌های بنیادین پژوهش‌های کیفی نظریه پردازی به جای آزمون نظریه است. بنابراین یکی از اموری که در تحلیل محتوای کیفی باید مورد توجه قرار گیرد، تعیین چارچوب تئوری برای تحلیل داده‌ها است. محقق در ابتدا نیاز به یک چارچوب نظری دارد تا براساس آن، فرضیه‌ها و متغیرهای خود را مشخص نماید، سپس درصد روشی برآید که با تحلیل داده‌ها مناسب باشد (رفیع پور، ۱۳۹۴: ۱۱۹). بنابراین در این پژوهش با ترکیب نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی انقلابی و اصلاحی، نظریه محیط سیاسی و نظریه‌های ارتباط نوع نظام سیاسی و جنبش‌های انقلابی یا اصلاحی چارچوب نظری تحلیل داده‌ها شکل گرفت؛ فرضیه و محورهای تحلیل محتوای کیفی در دو دوره نیز مبتنی بر این چارچوب نظری تهیه گردید. با توجه به چارچوب نظری پژوهش، تفاوت محیط و زمینه سیاسی قبل و پس از انقلاب نشان داده می‌شود و هماهنگی محیط سیاسی قبل از انقلاب با جنبش‌های انقلابی و محیط سیاسی پس از انقلاب با جنبش‌های اصلاحی و نگاه انتقادی، و ماهیت نظام سیاسی اقتدارگرا و استبدادی پهلوی و لزوم جنبش‌های انقلابی و نظام جمهوری اسلامی به عنوان برآیند انقلاب و نظام مردمی و لزوم نگاه اصلاحی و انتقادی تبیین می‌گردد. تحلیل محتوای کیفی موضع‌گیری‌های امام مبتنی بر این چارچوب نظری دسته‌بندی و تحلیل می‌گردد. با توجه به فرضیه پژوهش، شاخص‌ها، مولفه‌ها و محتواها جهت تحلیل از متن مشخص گردید: کلیه محتوای براندازانه و مخالفت‌جویانه (در ۵ جلد اول؛ دوره پهلوی دوم) و محتوای توصیه‌ای و انتقادی (در جلد ۶ تا ۲۱؛ دوره جمهوری اسلامی) جمع‌آوری گردید و در راستای رویکرد تحلیل محتوای کیفی و فرضیه پژوهش، توصیف و دسته‌بندی گردید. جامعه پژوهش شامل کلیه بیانات و موضع‌گیری‌های امام نسبت به مسولان با توجه به دو شاخص با محتوای براندازانه و انقلابی، و توصیه‌ای، انتقادی و اصلاحی در دوره پهلوی دوم و پس از انقلاب است. پس از دسته‌بندی محتوای صحیفه براساس موضع‌گیری‌های قبل و پس از انقلاب با توجه به شاخص‌ها و محورهای فوق، جدول شماره ۱: محورهای براندازانه و مخالفت‌جویانه با رژیم پهلوی و جدول شماره ۲: محورهای توصیه‌ای، اصلاحی، انتقادی و هشدارآمیز نسبت به مسولان تنظیم گردید. دسته‌بندی به عنوان مهمترین و آخرین مرحله فرایند تحلیل محتوای کیفی، در جداول این پژوهش بیانگر تأیید فرضیه است. محتوای

موضع‌گیری‌های امام در هر جلد بر اساس محورهای این جداول جمع‌آوری و با چارچوب نظری و فرضیه پژوهش ارزیابی و تحلیل گردید.

چارچوب نظری: ترکیب نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی، محیط سیاسی و ماهیت نظام سیاسی

یکی از ویژگی‌های بنیادین پژوهش‌های کیفی، تبیین چارچوب نظری است. نظریه‌ها در مقام راهنمای طراحی و پیکربندی تحلیل اهمیت می‌یابند. از شرایط کلی تحلیل محتوای کیفی نیز داشتن نظریه به عنوان پشتوانه بیان مفاهیم و محتوا در یک متن، طبقه‌بندی کلمات و جملات است. ترکیبی از نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی انقلابی و اصلاحی، نظریه‌های محیط سیاسی یا زمینه سیاسی و نظریه‌ها درباره ماهیت نظام سیاسی و ارتباط آن با جنبش‌ها چارچوب نظری پژوهش حاضر را شکل داده‌اند و به عنوان پشتوانه و راهنمای بررسی و تأیید فرضیه پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرند. در نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی، این جنبش‌ها را از لحاظ روش پیگیری مطالبات به جنبش‌های انقلابی و اصلاحی تقسیم می‌کنند؛ در جنبش‌های انقلابی، حاملان آن برای رسیدن به اهداف به روش‌های قهرآمیز متوسل می‌شوند در حالی که در جنبش‌های اصلاحی از روش‌های انتقادی، اصلاحی و تدریجی و غیرخشونت‌آمیز استفاده می‌کنند (جلایی پور، ۱۳۹۱: ۴۰). در موضوع نظریه‌های محیط سیاسی، زمینه سیاسی و محیط سیاسی مشوق یا مانع جنبش انقلابی یا اصلاحی در نظر گرفته می‌شوند (راش، ۱۳۷۷: ۱۳۵). قواعد بازی، ماهیت و نوع نظام سیاسی نقش مهمی در تغییر رفتار سیاسی (انقلابی یا اصلاحی) ایفا می‌کنند. از دید چارلز تیلی (Charles Tilly) کنشگران سیاسی مختلف در هر رژیم و در هر مقطع زمانی خاص از حیث میزان ورود به انواع مختلف فعالیت جنبش اجتماعی دارای تنوع هستند. از نظر وی، شکل‌ها، پرسنل و ادعاهای جنبش‌های اجتماعی به لحاظ تاریخی تنوع و تکامل می‌یابند. کلیت محیط‌های سیاسی از عوامل تغییر و تنوع یافتن جنبش‌های اجتماعی به شمار می‌آیند (تیلی، ۱۳۸۹: ۲۴۰ و ۲۷۶). تیلی براساس نحوه برخورد با مخالفان، چهار نوع حکومت را شناسایی می‌کند: سرکوبگر، توتالیتر، متساهل و ضعیف (رهبری، ۱۳۹۳: ۲۰۴). تیلی نشان می‌دهد که در قرن ۱۹ با تضعیف کنترل اقتدارگرایانه از بالا به پائین تظاهرات خیابانی در فرانسه به ظهور رسید و در نظام‌های دموکراتیک زمینه فعالیت جنبش‌های اصلاحی فراهم گردید (تیلی، ۱۳۹۱: ۲۳۸-۲۳۹).

بنابراین نوع نظام سیاسی در نوع جنبش اجتماعی و میزان استفاده یا عدم استفاده از خشونت موثر است؛ در رژیم‌های اقتدارگرا که عرصه سیاسی بسته است میزان خشونت‌ها

بیشتر و اعتراضات عموماً جنبه سیاسی دارند و در رژیم‌های دموکراتیک از میزان خشونت‌ها کاسته می‌شود و مطالبات از طریق کانال‌های قانونی و جامعه مدنی پیگیری می‌گردد (رهبری، ۱۳۹۳: ۲۵۲). فرضیه پژوهش براسا این مبانی نظری صورتبندی و ارتباط نظری بین نظریه‌های موصوف و فرضیه برقرار گردید:

محیط سیاسی و زمینه سیاسی پژوهش دو دوره متفاوت را در بر می‌گیرد؛ در هر دوره نظام سیاسی متفاوت مستقر است و نوع نظام سیاسی در شکل‌گیری نوع جنبش اجتماعی (انقلابی یا اصلاحی) تاثیر گذار است.

زمینه سیاسی و نظام سرکوبگر و اقتدارگرای پهلوی دوم، حاملان جنبش را به جنبش انقلابی سوق داد و موضع‌گیری‌های امام نیز در راستای این ساختار سیاسی و زمینه و محیط سیاسی، براندازانه و انقلابی بود. در دوره انقلاب اسلامی، نظام سیاسی مستقر هماهنگ با دیدگاه امام و جامعه بود و موضع‌گیری‌های امام نیز به شکل اصلاحی و انتقادی تجلی یافت.

تفاوت گفتمان و ساختار سیاسی پهلوی و جمهوری اسلامی

گفتمان و ساختار سیاسی پهلوی

محمدرضا پهلوی تا ۱۳۳۲ و برکناری مصدق و کودتا علیه او به پادشاهی خود بر اساس اصول مشروطه ادامه داد ولی از این تاریخ به بعد حکومت استبدادی پدرش را از نو برقرار کرد و برنامه‌های تجددگرایی و غرب‌گرایی وی را ادامه داد. تداوم حکومت پادشاهی ایران تا سال ۱۳۵۷ تجددگرایی و غرب‌گرایی را مسلط ساخت و حاکی از پایان فرهنگ سیاسی سنتی ایران بود (کارثویت، ۱۳۸۷: ۳۸۳-۳۸۴).

گفتمان مسلط در دوره پهلوی، گفتمان مدرنیسم بود که مجموعه پیچیده‌ای از عناصر مختلف از جمله نظریه شاهی ایرانی، پاتریمونالیسم سنتی و گفتمان توسعه و نوسازی به شیوه مدرنیسم غربی بود و خود در طی زمان ترکیبات بیشتری پیدا کرد. در این گفتمان بر اقتدارگرایی، اصلاحات از بالا، عقلانیت مدرنیستی، ناسیونالیسم ایرانی، مرکزیت سیاسی، مدرنیسم فرهنگی، سکولاریسم و توسعه صنعتی تاکید می‌شد. دولت مطلقه‌ای که در پرتو این گفتمان ظهور کرد، در پی آن بود تا جامعه و اقتصاد ایران را از صورتبندی سنتی و ماقبل سرمایه دارانه به صورتبندی مدرن و سرمایه دارانه عبور دهند. بنابراین گفتمان مدرنیسم مطلقه با خصلت عقلگرایانه، اقتدارگرایانه و بهنجارسازانه خود آسیب‌های عمده‌ای به گروه‌ها و فرهنگ جامعه سنتی وارد کرد. در این گفتمان، سنت، مذهب، قومیت‌ها، عشایر و گروه‌های سنتی می‌بایست به عنوان اغیار گفتمانی از عرصه قدرت اخراج شوند. در این راستا بود که

علمای دینی، اصناف، تجار بازار، فرقه‌های دینی و اقلیت‌های قومی از سیاست‌های نوسازی پهلوی آسیب می‌دیدند (بشیریه، ۱۳۸۱: ۶۸).

طی سال‌های ۲۰ تا ۳۲ غلبه شبه پاتریمونیالیستی دربار بر ساختار قدرت و ساختار حاکمیت دولتی با چالشی دوگانه روبه‌رو گردید. تضعیف مجموعه دربار و ارتش در پی حمله متفقین و استعفا و تبعید رضاه شاه و خلاء قدرت ناشی از آن زمینه کنشگری اجتماعی و سیاسی دوباره نیروهایی را فراهم کرد که تحت دیکتاتوری شبه پاتریمونیالیستی دوران رضاه شاه امکانی برای فعالیت علنی نداشتند: نخبگان محافظه کار نظیر سران قبایل و روحانیون از سویی و طیف متنوعی از اصلاح طلبان مشروطه خواه در برابر هم بودند که این زمینه نزدیکی و تعامل دربار و ارتش با محافظه کاران را فراهم ساخت (توفیق، ۱۳۸۵: ۱۰۹-۱۱۰). برخی این دوره را دوره فترت نامیده‌اند. در این دوره به دلیل کاهش قدرت دربار، گروه‌ها و دسته‌های مختلف اجتماعی وارد عرصه فعالیت‌های سیاسی شدند و قدرت سلطنت کاهش پیدا کرد. نیروهای سیاسی سرکوب شده قدیم به ویژه خوانین، روسای قبایل، روحانیون و اشراف قدیم همراه با نیروهایی که در عصر نوسازی پدید آمده بودند، آزاد شدند (بشیریه، ۱۳۸۰: ۷۷). بنابراین گذار به گفتمان جدیدی شکل گرفت و گفتمان اقتدارگرایی بوروکراتیک در این مقطع حاکم گردید.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولت اقتدارگرایی رانتیر شکل گرفت. هرچند شکل حکومت در دوران پس از ۱۳۳۲ از نظر رسمی و قانونی سلطنت مشروطه بود. اما نظام سیاسی فردی، مطلقه و خودمحمور و متکی بر سلسله مراتب زنجیره قدرت بود که همه چیز از سر حلقه اصلی آن نشأت می‌گرفت. شاه هرم قدرتی را بنا نهاده بود که خود در راس آن قرار داشت. به قول ارتشبد جم: «در حقیقت شاه هم نخست وزیر بود، هم وزیر امور خارجه، هم وزیر اقتصاد و هم بر ارتش سلطه داشت... آنها فقط مجری دستورات او بودند» (میری، ۱۳۸۰: ۳۲). شاه پس از تاسیس حزب رستاخیز سیاست خود را چنین اعلام کرد: «ایرانیان بر دو گروه تقسیم می‌شوند: یا به تاج و تخت و قانون اساسی ایمان ندارند و این گونه افراد یا عضو یکی از سازمان‌های غیرقانونی یا مربوط به حزب توده می‌باشند. هر فردی از این گروه به زودی به زندان خواهند افتاد، زیرا آنها خائن هستند یا باید از کشور هجرت کنند» (میری، ۱۳۸۰: ۳۳).

در مجموع در دوره پهلوی خرده گفتمان‌های گوناگونی نظیر دولت خودکامه، اقتدارگرایی بوروکراتیک و دولت اقتدارگرایی رانتیر در پهنه سیاست و حکومت ایران ظاهر شدند (موسوی، ۱۳۹۰: ۳۲۱).

ساختار سیاسی جمهوری اسلامی

بشیریه گفتمان سنت گرایی ایدئولوژیک را برای گفتمان انقلاب اسلامی استفاده می‌کند. گفتمان سنت گرایی ایدئولوژیک یا گفتمان جمهوری اسلامی ایران در واکنش به گفتمان مدرنیسم پهلوی شکل گرفت. از دید وی این گفتمان بازتاب علائق و ارزش‌های طبقات رو به افول جامعه سنتی بود که در معرض نوسازی و اصلاح و انقلاب از بالا قرار گرفته بودند. در این گفتمان، سنت اسلامی به عنوان راه حلی برای مسائل جامعه و عصر مدرن به ایدئولوژی تبدیل شد. گفتمان موصوف، خود مرکب از عناصر مختلفی چون نظریه سیاسی شیعه، برخی از وجوه پاتریمونالیسم سنتی، برخی از عناصر مدرنیسم (مانند پارلمنتاریسم) نوعی مردم گرایی و اقتدار کاریزمایی بوده است. سنت گرایی ایدئولوژیک جهان مدرن و شیوه زندگی دموکراتیک را به عنوان دشمن اصلی قلمداد کرده و به مظاهر مختلف تجدد غربی تاخته است. این گفتمان به ویژه با پلورالیسم، جامعه مدنی، لیبرالیسم، سنت روشنگری غرب و نیز ناسیونالیسم ایران سر ستیز داشته است و در مقابل بر رهبری، انضباط اجتماعی و اخلاقی، ارزش‌های سنتی، نخبه گرایی سیاسی و کنترل فرهنگی تاکید گذاشته است (بشیریه، ۱۳۸۱: ۶۹-۷۰).

بنابراین، گفتمان انقلاب اسلامی، ساختار سیاسی متناسب با الگوی مطلوب خویش را در قالب قانون اساسی تبیین کرد. براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، نظام سیاسی برپایه جمهوریت و اسلامیت (اصل اول قانون اساسی) بنا شده است. بر اساس یکی دیگر از اصول قانون اساسی، در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد (اصل ششم قانون اساسی). با وجود تضاد ظاهری دو پایه نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران برخی از مفسران قانون اساسی معتقدند: «جمهوری» ناظر به شکل حکومت و قید اسلامی مربوط به محتوای آن است (کاتوزیان، ۱۳۶۰: ۶۸؛ هاشمی، ۱۳۷۴: ۵۶).

دسته بندی محورهای صحیفه قبل و پس از انقلاب اسلامی

باتوجه به تفاوت گفتمان و ساختار سیاسی دو دوره و باتوجه به مولفه‌های فرضیه شامل موضع‌گیری‌های ساختارشکنانه و براندازانه (دوره پهلوی دوم متناسب با گفتمان و ساختار آن)، در پنج جلد اول صحیفه بررسی گردید و همچنین محورهایی با محتوای توصیه‌ای و انتقادی (دوره جمهوری اسلامی و متناسب با گفتمان و ساختار سیاسی این دوره) در ۱۶ جلد بعدی صحیفه انتخاب و دسته بندی گردید. با توجه این که گفتمان حاکم بر دوره پهلوی، گفتاری متمایز با گفتار امام خمینی و نگاه اسلامی بود، پیام‌ها و سخنرانی‌ها نیز از جنبه انتقادی فراتر رفته است و کاملاً در مخالفت با گفتمان مسلط پهلوی بیان می‌گردد. پیام‌ها و سخنرانی‌های امام خمینی در پنج جلد اول صحیفه در خصوص مسئولان کاملاً براندازانه و مخالف ساختار موجود است: اعتراض به رژیم شاه و قیام ۱۵ خرداد، پیام به سران دولت‌های اسلامی در خصوص تحریم روابط تجاری و سیاسی اسرائیل، ارتباط دادن همه فسادها به رژیم شاهنشاهی، سلطنت و غده سرطانی، رژیم جباری و غارتگر، جنایات نابخشودنی، غصبی بودن سلطنت و در نهایت وجوب مبارزه با حکومت‌های ظالم بیانگر این نگاه براندازانه و واسازی گفتمان پهلوی است. با تعیین چارچوب نظری تفاوت گفتمان و ساختار سیاسی دو دوره، بخش اولیه، اصلی و نظری رویکرد تحلیل محتوای کیفی انجام پذیرفت و با تکیه بر این چارچوب، فرایند تحلیل محتوای کیفی با دسته بندی محورهای فرضیه در دو دوره به صورت جداول ۱ و ۲ از متن مورد تحلیل (صحیفه) استخراج، دسته بندی و تحلیل گردید.

جدول شماره ۱: فرایند تحلیل محتوای کیفی (دسته بندی محورها ۵ جلد صحیفه؛ دوره پهلوی دوم)

شماره جلد کتاب	دوره	محورهای براندازانه و مخالفت جویانه با رژیم پهلوی
۱	۱۳۱۲ تا آبان ۱۳۴۴	دعوت به قیام برای خدا (صص ۲۱-۲۲)، مخالفت با انجمن‌های ایالتی و ولایتی، لزوم لغو آن و ادامه قیام تا لغو (ص ۷۸)، هشدار درباره فراندم شاه (ص ۱۳۳-۱۳۴)، مقاومت در برابر رژیم پهلوی (صص ۱۵۱-۱۵۲)، شکست فراندوم شاه، اعلام عزای عمومی درواکنش به حمله به فیضیه (صص ۱۵۶ و ۱۶۷)، عدم سکوت و تاکید بر «الان عصر عاشورا است» (ص ۲۴۳)، شاه و اسرائیل اساس گرفتاری‌ها (ص ۴۲۲)، مخالفت با لایحه کاپیتولاسیون (ص ۴۲۲).

شماره جلد کتاب	دوره	محورهای براندازانه و مخالفت جویانه با رژیم پهلوی
۲	۱۳۴۴ تا شهریور ۱۳۵۲	لزوم توسعه مبارزه دانشجویی (ص ۸۷)، مقابله با رژیم شاه و عدم تسلیم در برابر ظلم (صص ۱۲۹-۱۳۰)، پیام به سران دولت‌های اسلامی؛ تحریم روابط تجاری و سیاسی اسرائیل (ص ۱۳۹)، وعده پیروزی قیام مردم (ص ۱۶۹)، لزوم براندازی رژیم پهلوی (ص ۲۰۸)، وجوب قیام علما علیه جشن‌های شاهنشاهی (صص ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۶۷)، تشریح ستمکاری‌های رژیم و غیرقانونی بودن آن (ص ۴۴۸).
۳	۱۳۵۲ تا مهر ۱۳۵۷	مخالفت با تأسیس حزب رستاخیز (صص ۷۱-۷۲)، تبیین جنایات رژیم در فاجعه کشتار مردم قم در دی ۱۳۵۶ (ص ۳۱۴) و تعطیلی بازار (ص ۳۳۰)، تأکید بر سازماندهی نهضت (صص ۳۹۴-۳۹۶)، امریکا، مجرم اول؛ شاه، مجرم دوم (ص ۴۰۷)، تأکید بر وحدت کلمه در برکناری شاه (ص ۴۱۷)، تأکید بر لزوم ارتباط بین علما و احزاب تا برقراری حکومت اسلامی (ص ۴۱۸)، انقلاب ۵۷ بر نامه‌ای الهی (ص ۴۹۰)، رژیم شاهنشاهی منشا همه مفاسد (ص ۴۹۰).
۴	مهر تا آبان ۱۳۵۷	تساوی سلطنت با دیکتاتوری (ص ۳۸)، اجازه سلطنت به شاه خیانت به مردم (صص ۱۲۸-۱۲۹)، جاری و غارتگری سلطنت شاه (ص ۱۸۰)، رژیم غیرقانونی و جنایاتی نابخشودنی (صص ۲۰۴-۲۰۵)، شاهنشاهی، کثیف‌ترین رژیم‌های دنیا (صص ۲۵۴-۲۵۵)، مخالفت با تز «شاه سلطنت کند، نه حکومت (ص ۳۷۳)، سلطنت، غده سرطانی (ص ۴۷۸)، سه اصل پیشنهادی؛ عزل شاه (ص ۴۸۳)، انقراض سلطنت ارتجاعی و سلسله پهلوی (ص ۴۹۰)، تأسیس جمهوری اسلامی (صص ۵۱۲ و ۴۹۶).
۵	آبان تا بهمن ۱۳۵۷	غیرقانونی و غصبی بودن سلطنت (صص ۸، ۶۳، ۳۷۴، ۴۱۹)، وجوب مبارزه با حکومت‌های ظالم (ص ۲۰)، مقصد اعلی؛ برقراری حکومت عدل اسلامی (ص ۲۴)، تبیین الگوی حکومت اسلامی (ص ۲۸)، چرایی مخالفت با حکومت شاه (ص ۱۵۹)، رژیم سلطنت خلاف قوانین عقلیه (ص ۵۰۷).

دسته بندی محورهای جلد شش تا بیست و یک در جدول شماره ۲ با توجه به «وضعیت انقلاب» تنظیم شده است؛ مخالفت با همه عناصر رژیم سابق و لزوم بازسازی ساختار سیاسی

بر مبنای الگوی جدید. بنابراین شرایط موجود، موضع گیری‌های توصیه‌ای و انتقادی امام را نسبت به مسئولان نظام مبتنی بر گفتمان انقلاب دربرداشته است.

جدول شماره ۲: فرایند تحلیل محتوای کیفی (دسته بندی محورها جلدشش تا بیست و یک صحیفه؛ دوره پهلوی

دوم)

شماره جلد دوره	محوهای توصیه‌ای، اصلاحی، انتقادی و هشدارآمیز نسبت به مسئولان	کتاب
۶	به دلیل شرایط انقلابی؛ بخش عمده مطالب بر غیرقانونی بودن رژیم و ادامه مبارزه تا سقوط کامل رژیم، جنایات، خیانت‌ها و دارایی پهلوی و ملی شدن آن، طاغوت زدایی و برقراری حکومت اسلامی است (صص ۱۰، ۱۱، ۲۷۲، ۲۷۴)؛ بخش دیگر پیام‌ها بر جمهوری اسلامی و لزوم معرفی حکومت اسلامی، دوری گزینی از اختلافات (صص ۷۹، ۳۲۸، ۲۶۹، ۱۱۵)، سستی نمودن در استمرار نهضت (ص ۴۰۹)، حکومت در خدمت مردم (ص ۴۴۷) تاکید دارند.	بهمین ۱۳۵۷ تا فروردین ۱۳۵۷
۷	جامعه سالم در گرو حاکمان سالم (ص ۲۸۵)، انقلابی‌نماها و خام خیالی‌ها (صص ۳۳۳-۳۳۴)، لزوم تقویت روحیه مردم (ص ۳۷۲)، متصدیان سالم و متعهد (ص ۳۸۲)، رعایت نظم و قانون (ص ۴۷۹).	فروردین ۱۳۵۷ تا خرداد ۱۳۵۷
۸	هشدار به مسئولان به ویژه روحانیون (صص ۱-۳)، لزوم مراقبت مردم از اعمال مسئولان (ص ۵)، مسئولیت امانتداران اسلام (ص ۲۷۴)، خطر سوء استفاده از قدرت (صص ۲۷۸-۲۷۹)، وظایف سنگین روحانیون و پاسداران (ص ۲۷۹)، مردمی بودن دولتمردان (ص ۳۵۰)، خلافت‌کاری‌های مسئولین، ضربه به اسلام (صص ۴۲۱-۴۲۲)، جلوگیری از خروج دولت از خط اسلام (ص ۴۷۲).	خرداد ۱۳۵۷ تا تیر ۱۳۵۸
۹	دولت، خدمتگزار است نه فرمانفرما (ص ۱۸)، انتقاد از بی توجهی به مسائل اساسی و اصلی کشور (ص ۵۶)، توجه مسئولان به ضعفا و مستمندان (صص ۱۲۲-۱۲۳)، نمایندگان مجلس، وکیل مردمند نه ولی آنها (ص ۳۰۴)، انتقاد از وضعیت اداری و کم کاری کارمندان (ص ۳۶۶).	تیر ۱۳۵۸ تا شهریور ۱۳۵۸
۱۰	نقش ولایت فقیه در حکومت اسلامی؛ نظارت و کنترل و عدم دیکتاتوری (ص ۵۸)، تدریجی بودن اصلاحات بعد از انقلاب (ص ۷۴)، تدریجی بودن اصلاحات بعد از انقلاب (ص ۱۱۰)، لزوم پرهیز روحانیون از ارتکاب هرگونه خلافی (صص ۱۴۴-۱۴۵)، استقلال قاضی در امر قضاوت (ص ۲۷۲).	شهریور ۱۳۵۸ تا آبان ۱۳۵۸

شماره جلد	دوره	موضوعات، اصلاحی، انتقادی و هشدارآمیز نسبت به مسئولان
۱۱	آبان ۱۳۵۸ تا دی ۱۳۵۸	ممانعت ولایت فقیه از ایجاد دیکتاتوری (صص ۲۲)، اعمال سرخودی؛ آفت درونی انقلاب اسلامی (صص ۳۱۳)، امر به معروف و نهی از منکر (صص ۳۸۶).
۱۲	دی ۱۳۵۸ تا تیر ۱۳۵۹	مسئولیت خطیر متصدیان در نظام اسلامی؛ رفتار مناسب جمهوری اسلامی (صص ۵۳-۵۴)، انتخاب افراد متعهد برای مجلس (صص ۱۶۸-۱۶۹)، ضرورت تحول دادگستری (صص ۲۱۴)، لزوم انتقاد و مقابله با مقامات (صص ۲۱۵)، مجلس محل مباحثه نه مبارزه و جبهه بندی (صص ۳۴۶)، اظهار نگرانی از ناسازگاری و اختلاف در ارگانهای اسلامی (صص ۴۱۳)، نظم و هماهنگی در اصلاح امور (صص ۴۱۳-۴۱۵)، اختلافات و سوء عملکردها منشأ شکست جمهوری اسلامی (صص ۴۱۵-۴۱۶)، هشت تذکره هشدار در جمع پاسداران (صص ۴۴۳-۴۴۴).
۱۳	تیر ۱۳۵۹ تا بهمن ۱۳۵۹	لزوم اصلاحات در دستگاه قضائی و بی طرفی کامل قضات (صص ۵۰ و ۱۱۵)، لزوم مردم گرا بودن مسئولان (صص ۳۷۹-۳۸۲)، اهمیت ارزیابی و گزینش در تصدی مسئولیتها (صص ۴۷۵)، لزوم انتقاد و ممنوعیت غرض ورزی (صص ۴۸۰-۴۸۱).
۱۴	بهمن ۱۳۵۹ تا تیر ۱۳۶۰	وارد نشدن نیروهای نظامی در گرایشهای سیاسی (صص ۶۴-۶۵) و عدم دخالت قوای مسلح در امور سیاسی (صص ۱۴۳-۱۴۴)، مردمی بودن مسئولان در نظام اسلامی (صص ۳۲۰-۳۲۱).
۱۵	تیر ۱۳۶۰ تا بهمن ۱۳۶۰	لزوم نظارت مردم بر کارهای دولتمردان (صص ۱۶-۱۸)، تأثیرناپذیری از مقام و ریاستها (صص ۷۰)، مسئولیت رئیس جمهور در مقابل آرای ملت (صص ۷۴)، ضرورت اصلاح در وزارت امور خارجه و سفارتخانه ها (صص ۵۰۱)، مردمی بودن مسئولین در سرتاسر کشور (صص ۵۱۰).
۱۶	بهمن ۱۳۶۰ تا شهریور ۱۳۶۱	قدرت طلبی مسئولین، منشأ شکست انقلاب (صص ۲۳)، گماردن افراد شناخته شده در مسئولیتهای حساس (صص ۱۲۲).
۱۷	مهر ۱۳۶۱ تا تیر ۱۳۶۲	نظارت قوای سه گانه بر صدا و سیما (صص ۲۳۴)، در رأس بودن مجلس نسبت به همه ارگانها (صص ۲۴۶)، انتقاد صحیح آری اما توطئه هرگز (صص ۴۶۱-۴۶۲).

شماره جلد	دوره	موضوعهای توصیه‌ای، اصلاحی، انتقادی و هشدارآمیز نسبت به مسئولان
۱۸	تیر ۱۳۶۲ تا مرداد ۱۳۶۳	همراه نبودن مردم با حکومت‌های دیکتاتور (صص ۷۸-۷۹)، مطرح نبودن مقام و ریاست در اسلام (صص ۴۱۱-۴۱۲)، لزوم خدمت نمودن مسئولان به مردم (صص ۳۷۹).
۱۹	مرداد ۱۳۶۳ تا اسفند ۱۳۶۴	سپردن امور به مردم و نظارت دولت (صص ۳۴-۳۵)، جلوگیری از ایجاد نارضایتی در ادارات (صص ۳۶-۳۵)، خودخواهی و قدرت طلبی منشأ فسادهای عالم (صص ۲۴۹-۲۵۰)، مداخله نمودن قوای مسلحه در امور سیاسی (صص ۴۰۰)، انتقاد سالم و راهنمایی دولت توسط مجلس (صص ۳۹۷-۳۹۸).
۲۰	اسفند ۱۳۶۴ تا اسفند ۱۳۶۶	تکرار موضوعات قبلی وعدم وجود پیام یا سخنرانی انتقادی و اصلاحی جدید
۲۱	فروردین ۱۳۶۷ تا اردیبهشت ۱۳۶۸	تکرار موضوعات قبلی وعدم وجود پیام یا سخنرانی انتقادی و اصلاحی جدید

تحلیل پیام‌ها و سخنرانی‌های امام در صحیفه دوره پهلوی

جلد اول تا پایان جلد پنجم صحیفه، پیام‌ها، نامه‌ها و سخنرانی‌های امام خمینی از دوره پهلوی اول (رضا شاه) تا انقلاب اسلامی را در برمی‌گیرد. فرایند تحلیل محتوای کیفی در دوره پهلوی دوم در سه سطح انجام گردید. در سطح اول، توصیف، دو محور اصلی با مضامین موضعگیری‌های مخالفت‌جویانه و براندازانه توصیف شد. محورهای با محتوای مخالفت‌جویانه و براندازانه از متن پنج جلد اول صحیفه متناسب با فرضیه پژوهش استخراج گردید. در سطح دوم، تحلیل، کلیه محورها و مضامین استخراج شده از متن ۵ جلد صحیفه دسته بندی گردید. در راستای فرضیه پژوهش، نگاه براندازانه و مخالفت‌جویانه امام نسبت به مسئولان پهلوی دوم در جدول شماره ۱ تحلیل گردید. در سطح سوم و کلان، تبیین، داده‌های دسته بندی شده و تحلیل شده با توجه به فرضیه، با چارچوب نظری پژوهش و زمینه تاریخی مورد ارزیابی قرار گرفت. گفتمان و ساختار سیاسی پهلوی دوم (به عنوان بخشی از داده‌های تاریخی و مبانی نظری) تبیین گردید؛ گفتمان و ساختار پهلوی دوم، زمینه موضع-گیری‌های براندازانه و مخالفت‌جویانه را فراهم ساخت. بخشی از فرضیه پژوهش با توجه به

محورهای انتخاب شده موصوف، تحلیل آن در ارتباط با فرضیه و با ارزیابی آن با شرایط زمینه‌ای و مبانی نظری و تاریخی مورد تأیید قرار گرفت. با توجه به فرایند فوق، مواضع امام با توجه به شاخص‌های تعیین شده از ۵ جلد صحیفه به صورت زیر تلخیص شد:

جلد اول: اشاره به ساختار نظام پادشاهی رضاشاه و چگونگی روی کار آمدن آن و دعوت مردم به قیام برای خدا بخشی از مباحث ضد ساختار پهلوی اول در این جلد است. قیام برای شخص است که یک نفر مازندرانی بی سواد را بر یک گروه چندین میلیونی چیره می‌کند. در این جلد به مخالفت با انجمن‌های ایالتی پرداخته شده است. هشدار امام خمینی درباره فراندم شاه و سخنرانی در جمع روحانیون طلاب قم و لزوم مقاومت در برابر رژیم پهلوی و اینکه باید در مقابل کارهای خلاف شرع و قانون این دستگاه ایستاد، بخش دیگری از توصیف امام در جلد اول صحیفه است. بیانات امام در واکنش به حمله فیضیه، اعتراض به رژیم و قیام ۱۵ خرداد و اینکه چرا در مقابل شاه مملکت که می‌خواهد روحانیت را از میان بردارند. قیام نمی‌کنید؟ چرا در مقابل حکام سکوت می‌کنید؟ امروز دیگر روز سکوت نیست. امروز روزی است که باید در مقابل لامذهب‌ها قیام کرد، ... الان عصر عاشور است.

جلد دوم: در این جلد به بیانات امام در سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۲ مربوط می‌شود، یعنی سال‌های که بتدریج مخالف‌ها و مفاهیم و زمینه‌های براندازنه بیشتر و جدی تر می‌شود. اینکه در مقابل ظلم نباید تسلیم شد، تحریم روابط تجاری و سیاسی با اسرائیل در پیام به سران دولت‌ها اسلامی، لزوم براندازی سلسله پهلوی در سخنرانی سال ۱۳۴۷ و تشریح ستمکاری‌های رژیم در سال ۱۳۵۱ «سربازی بودن علما و روحانیون به جرم اظهار تأثر از رفتار غیر قانونی و غیر شرعی دستگاه و شرعی، انتقامی است که رژیم دست‌نشانده استعمار از اسلام و هواداران آن می‌گیرد». موارد موصوف در جلد دوم اشاره به غیر قانونی بودن و لزوم مخالفت با رژیم و ساختار پهلوی دارد.

جلد سوم: روند مخالفت با نظام تشدید می‌گردد، اشاره به حزب رستاخیز و اینکه روند شکل‌گیری این حزب مخالف قانون اسلامی و موازین بین‌المللی است. اشاره به جنایات رژیم در فاجعه کشتار مردم قم در ۱۹ در ۵۶ و تعطیلی سزار در اعتراض به شاه، و تأکید بر سازماندهی نهضت در سال ۱۳۵۷ بیانگر نگاه ایجابی امام خمینی در این جلد از صحیفه است. تا جلد سوم تمرکز بر مخالفت با رژیم پهلوی است. هر چند کتاب ولایت فقیه کاملاً ایجابی حکومت مطلوب را ارائه کرده است اما در سخنرانی‌ها و پیام‌های جلد سوم تأکید بر برقراری حکومت اسلامی و ارائه الگو و حکومت مطلوب به شیوه ایجابی است.

جلد چهارم: با پیام‌ها و سخنرانی‌ها و بیانات امام خمینی در مهر تا آبان ۱۳۵۷ اختصاص یافته است. سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره تساوی سلطنت با دیکتاتوری، اجازه سلطنت به شاه، خیانت به مردم است، مخالفت با جباریت و غارتگری رژیم، غیر قانونی بوده سلطنت غده سرطانی و در نهایت ارائه اصل پیشنهادی امام که اصل سوم آن تاکید بر حکومت اسلامی و تاسیس جمهوری اسلامی است.

جلد پنجم: بیانات و سخنرانی‌های امام از آبان تا بهمن ۱۳۵۷ را در بر می‌گیرد، غیر قانونی بودن و غصبی بودن سلطنت، وجوب مبارزه با حکومت‌های ظالم، برقراری حکومت عدل اسلامی، الگوی اسلامی به علت مخالفت با شاه و این که رژیم سلطنتی از اول خلاف قوانین عقلیه انسان است. نقش امام خمینی به ویژه در این مبارزه زمانی بیانگر پیوند پیام‌ها و سخنرانی با رخداد انقلاب است.

با شواهد تاریخی ساختار سیاسی دوره پهلوی به عنوان ساختاری اقتدار گرا تبیین گردید. مطابق با نظریه‌های محیط سیاسی و رابطه نوع حکومت با نوع رفتار سیاسی جنبش‌های اجتماعی، ساختار اقتدار گرا رفتار انقلابی را در پی دارد. محتوای مواضع امام خمینی در ۵ جلد اول صحیفه مبتنی بر رفتار سیاسی انقلابی، تاکید بر قیام و مقاومت در برابر رژیم بیانگر چرایی انتخاب مواضع انقلابی از سوی امام می‌باشد.

تحلیل پیام‌ها و سخنرانی‌های امام در صحیفه دوره جمهوری اسلامی

بیانات، سخنرانی‌های پیام‌های امام خمینی از بهمن سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۸ در قالب هفده جلد (جلدهای شش تا بیست و دو)^۱ در راستای موضوع پژوهش جمع آوری شد. دوره جمهوری اسلامی نیز در سه سطح بررسی گردید. در سطح اول، توصیف، محورهای اصلی با مضامین موضعگیری‌های اصلاحی، توصیه‌ای و انتقادی توصیف شد. محورهای با محتوای فوق از متن جلدهای شش تا بیست و یک (۱۶ جلد) صحیفه متناسب با فرضیه پژوهش استخراج گردید. در سطح دوم، تحلیل، کلیه محورها و مضامین استخراج شده از متن ۱۶ جلد صحیفه دسته بندی گردید. در راستای فرضیه پژوهش، نگاه اصلاحی، توصیه‌ای و انتقادی امام نسبت به مسئولان جمهوری اسلامی در جدول شماره ۲ تحلیل گردید. در سطح سوم و کلان، تبیین، داده‌های دسته بندی شده و تحلیل شده با توجه به فرضیه، با چارچوب نظری پژوهش و زمینه تاریخی مورد ارزیابی قرار گرفت. گفتمان، ساختار سیاسی و ماهیت

۱. جلد بیست و دوم شامل فهرست‌ها و نمایه‌ها است.

انقلاب اسلامی (به عنوان بخشی از داده‌های تاریخی و مبانی نظری) تبیین گردید؛ گفت‌وگو، ساختار جمهوری اسلامی و نظام مبتنی بر نظام مطلوب امام، زمینه موضع‌گیری‌های اصلاحی، توصیه‌ای و انتقادی را فراهم ساخت. بخشی از فرضیه پژوهش با توجه به محورهای انتخاب شده موصوف، تحلیل آن در ارتباط با فرضیه و با ارزیابی آن با شرایط زمینه‌ای و مبانی نظری و تاریخی مورد تأیید قرار گرفت. محورهای انتخاب شده از متن سخنرانی‌ها و پیام‌ها براساس فرایند سه سطحی فوق به صورت زیر انجام گردید؛ در ابتدا مواضع امام خمینی با توجه به شاخص‌های فرضیه خلاصه گردید: بخش از محورها به غیر قانونی بودن رژیم، مجلس و دولت قبل، ادامه مبارزه تا سقوط رژیم، جنایات، خیانت‌ها و دارایی پهلوی، برگرداندن شاه و زدودن فرهنگ پهلوی تکیه دارد. در واقع مطالب سلبی درباره رژیم سابق بخش‌هایی از سخنرانی‌ها و پیام‌های این دوره را در بر می‌گیرد. اما در کنار این، مطالبی با نگاه اصلاحی و پیشنهادی در زمینه‌ها و مواردی جنبه انتقادی نسبت به وضعیت موجود (انقلاب اسلامی) تبیین می‌گردد. تأکید بر جامعه سالم در گرو حاکمان سالم، نقد انقلابی‌نماها و خام‌خیالی‌ها، رعایت نظم و قانون، هشدار به مسئولان به ویژه روحانیون، لزوم مراقبت مردم از اعمال مسئولان، لزوم بازسازی کشور، اصلاح امور توسط متخصصین، هشدار در خصوص خطر سوءاستفاده از قدرت، وظایف سنگین پاسداران و روحانیون، تأکید بر مردمی بودن دولت-مردان، هشدار به خلافکاری‌های مسئولین و اینکه چگونه این امر به اسلام ضربه خواهد زد. جلوگیری از خروج دولت از خط اسلام، دولت خدمتگزار نه فرمان فرما، ویژگی‌های مسئولان و زمامداران، انتقاد از بی‌توجهی به مسائل اساس و اصل کشور، توجه مسئولان به ضعف و مستمندان، وضعیت قوای انتظامی در رژیم اسلامی، انتقاد از وضعیت اداری و کم‌کاری کارمندان، نقش و جایگاه ولایت فقیه در حکومت اسلامی، تدریجی بودن اصلاحات پس از انقلاب، امر به معروف و مسئولیت همگانی، لزوم پرهیز روحانیون از ارتکاب هرگونه خلافی، بطلان و کالت نماینده مخالف با جمهوری اسلامی، استقلال قاضی در امر قضاوت، ممانعت ولایت فقیه از ایجاد دیکتاتوری، اشاره به آفت درونی انقلاب اسلامی، اشاره به مسئولیت خطیر متصدیان در نظام اسلامی، لزوم انتخاب افراد متعهد برای مجلس، لزوم انتقاد مقابله با مقامات، لزوم اصلاحات در دستگاه قضائی، لزوم بی‌طرفی کامل قضات، اهمیت ارزیابی و گزینش در تصدی مسئولیت‌ها، لزوم انتقاد و ممنوعیت غرض‌ورزی، عدم دخالت قوای مسلح در امور سیاسی، مردمی بودن مسئولان در نظام اسلامی، لزوم نظارت مردم بر کارهای دولت مردان، تأثیر ناپذیری از مقام و ریاست‌ها، مسئولیت رئیس جمهور در مقابل

ارای ملت، ضرورت اصلاح در وزارت امور خارجه و سفارتخانه ها، قدرت طلبی مسئولین و منشا شکست انقلاب، گماردن افراد شناخته شده در مسئولیت‌های حساس، نظارت قوای سه گانه بر صدا و سیما، در راس بودن مجلس نسبت به همه ارگان‌ها، انتقاد صحیح آری اما توطئه هرگز، همراه نبودن مردم با حکومت‌های دیکتاتور، مطرح نبودن مقام و ریاست در اسلام، لزوم خدمت نمودن مسئولان به مردم، سپردن امور به مردم و نظارت دولت، جلوگیری از ایجاد نارضایتی در ادارات، اشاره به این که خودخواهی و قدرت طلبی منشا فسادهای عالم است، مداخله نمودن قوای مسلح در امور سیاسی، انتقاد سالم و راهنمای دولت توسط مجلس همگی نگاه اصلاحی و انتقادی امام خمینی به مسئولان و زمامداران در دوره جمهوری اسلامی را مورد تأیید قرار می‌دهد.

سخنرانی‌ها و پیام‌های امام خمینی در صحیفه در راستای فرضیه پژوهش در قالب محورهای مرتبط اصلاحی، توصیه‌ای و انتقادی جمع آوری شد، در ذیل محورهای انتخاب شده، عین متن امام خمینی در راستای آن محورهای انتخاب شده، بیان گردید. تحلیل محورها و متن‌های انتخاب شده آن، نگاه انتقادی توصیه‌ای و اصلاحی امام خمینی در حوزه‌های مختلف را نشان می‌دهد. واژه‌های اصلاح و متن سخنرانی و پیام‌های مرتبط با آن، تکرار واژه‌های نظارت، مراقبت، انتقاد، امر به معروف و نهی از منکر، نقد قدرت طلبی و دیکتاتوری با پیام و سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها انتخاب شده در صحیفه، تأیید فرضیه پژوهش را در بردارد. مواضع انتقادی و اصلاحی امام در این دوره با توجه به محیط سیاسی و نوع حکومت (ولایت فقیه)، رفتار و جنبش‌های اصلاحی و انتقادی را در پی داشته است. بنابراین چرایی اتخاذ این مواضع با شواهد مبتنی بر نوع ساختار سیاسی جمهوری اسلامی و نظریه‌های هماهنگی نوع حکومت با نوع رفتار سیاسی و جنبش‌های اجتماعی اصلاحی تبیین گردید.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نگاه امام خمینی (ره) نسبت به زمامداران و نظام سیاسی قبل و پس از انقلاب تدوین شد. تمرکز بر متن سخنرانی‌ها و پیام‌های امام در دو دوره متفاوت تنها با بررسی محتوای سخنرانی‌ها و پیام‌های امام در صحیفه امکان پذیر بود. بهترین شیوه بررسی متون و کتب به ویژه با تأکید بر مقایسه، تحلیل محتوا است. برای بررسی و ارزیابی فرضیه پژوهش و نشان دادن تفاوت ماهیت دو نظام سیاسی به روش تحلیل محتوا ارائه چارچوب نظری و صورتبندی مدل نظری ضروری یافت و بر این اساس با ترکیبی از مبانی نظری درباره زمینه سیاسی، نظریه‌ها درباره رابطه ماهیت و نوع نظام سیاسی و جنبش‌های

انقلابی و اصلاحی، در پیوند با موضوع پژوهش، تفاوت موضع‌گیری امام در ساختار استبدادی، اقتدارگرایی بوروکراتیک و گفتمان مدرنیسم پهلوی (زمینه سیاسی) و نوع موضع‌گیری انقلابی و براندازانه (نظریه‌های جنبش‌های انقلابی) نشان داده شد. با تبیین چگونگی شکل‌گیری و مسلط شدن گفتمان انقلاب اسلامی و نظام مبتنی بر ولایت فقیه (زمینه سیاسی جدید) و متناسب با آن موضع‌گیری اصلاحی و انتقادی امام (نظریه‌های جنبش‌های اصلاحی) هماهنگ با فرضیه تحلیل گردید. علاوه بر پیوند مباحث نظری با فرضیه پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و آزمون فرضیه با این روش، پشتوانه نظری موصوف به عنوان مبنا و راهنمای توصیف و تحلیل محتوای کیفی متن صحیفه در نظر گرفته شد. شاخص‌ها و مولفه‌هایی با محتوای انقلابی، براندازانه و مخالفت‌جویانه در دوره پهلوی از جلد یک تا پنجم جمع‌آوری و تبیین شد: تاکید بر قیام، مبارزه و انقلاب (جدول شماره ۱). جلد‌های شش تا بیست و یکم تاکید بر شاخص‌ها و مولفه‌های با محتوای اصلاح، نقد، نظارت و توصیه جمع‌آوری و تحلیل شد (جدول شماره ۲).

در مجموع ارزیابی فرضیه پژوهش براساس روش شناسی پژوهش به صورت زیر پیگیری شد:

- تمایز ساختار سیاسی و گفتمان پهلوی و جمهوری اسلامی با توجه به منابع کتابخانه‌ای و در پیوند با چارچوب نظری تفاوت زمینه سیاسی

- مشخص کردن تفاوت نگاه و رویکرد در دو دوره با توجه به مبانی نظری جنبش‌های انقلابی و اصلاحی

- تعیین شاخص‌ها و محورهای انقلابی و انتقادی با توجه به مدل نظری ترکیبی
- تحلیل محتوای سخنرانی‌ها و پیام‌های امام خمینی در قالب جلد‌های یک تا پنج صحیفه با توجه به محورها و شاخص‌های موصوف (جدول شماره ۱) و جلد‌های شش تا بیست و یکم با توجه به شاخص‌های انتقادی و اصلاحی (جدول شماره ۲)

- برقراری ارتباط بین زمینه و محیط نظام سیاسی و نوع جنبش‌ها با استفاده از دو روش توصیفی-تحلیلی (پیوند مدل نظری ترکیبی با داده‌ها دو نظام سیاسی متفاوت و دو موضع‌گیری متفاوت و استفاده از این مدل نظری برای شاخص‌سازی محتوای جلد‌های صحیفه و آزمون فرضیه به شیوه تحلیل محتوای کیفی

تفاوت پژوهش حاضر تبیین موضع‌گیری‌های امام به صورت مقایسه‌ای (دو دوره متفاوت) و استفاده از تحلیل محتوا بر مبنای کتاب جامع درباره پیام‌ها و موضع‌گیری‌های ایشان

می‌باشد. یافته‌های پژوهش در برخی منابع بدون اشاره به کتاب خاص یا تحلیل محتوا پیام‌ها به صورت کلی بیان شده بود اما تفاوت تحقیق حاضر تبیین تفاوت نگاه از یک اثر بیست و دو جلدی است. در خصوص بیانات امام خمینی نسبت به رژیم پهلوی منابع و آثار متعددی به رشته تحریر در آمده است اما در خصوص مواضع ایشان نسبت به ساختارهای پس از انقلاب به طور مشخص اثری دیده نشده و جنبه نوآوری این پژوهش بیان تمایز و مقایسه این دو دوره با تاکید بر یک متن مشخص بود، در تحلیل‌های ژورنالیستی برخی به عدم تمایز نگاه امام خمینی یا تفاوت نگاه به علت ایدئولوژی اشاره کرده اند ولی از جنبه تحلیل متن و مستند به متن در کنار تحلیل و مستند کردن به منابع کتابخانه‌ای به نظر می‌رسد این پژوهش تا حدودی گام اولیه در این مسیر برداشته است. تفسیر نگاه براندازانه و انقلابی، و نگاه انتقادی و اصلاحی بر اساس دو دوره و با توجه به عملکرد، رفتار و گفتار امام با رویکرد تحلیل کیفی متن (صحیفه) و مبتنی کردن آن به مدل نظری در هیچ اثر تاکنون انجام نگرفته است.

منابع و مآخذ:

- اسپوزیتو، جان، ال، **انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن**، ترجمه محسن مدیرشانه چی، تهران: باز، ۱۳۸۶.
- اکبری معلم، علی (۱۳۹۳)، **اندیشه سیاسی امام خمینی**، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- آذینی، محسن. (۱۳۸۱)، **اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی (ره)**، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- باردن، لورنس (۱۳۷۴)، **تحلیل محتوا**، ترجمه: ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی سرخابی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بی، اربل (۱۳۸۱)، **روش تحقیق در علوم اجتماعی**، ترجمه: رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، **موانع توسعه سیاسی در ایران**، تهران: گام نو.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، **دباجه‌ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران**، تهران: نگاه معاصر.
- توفیق، ابراهیم (بهار ۱۳۸۵)، **مدرنیسم و شبه پاتریمونالیسم تحلیلی از دولت در عصر پهلوی**، **مجله جامعه شناسی ایران**، دوره هفتم، شماره ۱۰.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۹)، **جنبش‌های اجتماعی ۱۷۶۸-۲۰۰۴**، ترجمه علی مرشدی زاده، تهران: دانشگاه امام صادق.
- جلابی پور، حمیدرضا (۱۳۹۱)، **لایه‌های جنبشی جامعه ایران؛ دو جنبش کلان و ده جنبش خرد اجتماعی**، **پژوهش‌نامه علوم سیاسی**، سال هشتم، شماره چهارم، صص ۳۵-۸۷.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹)، **ولایت فقیه ولایت فقاقت و عدالت**، قم: اسراء.
- چالمرز، آلن اف (۱۳۸۹)، **چیستی علم**، ترجمه: سعید زیباکلام، تهران: انتشارات سمت.
- خاکسار، علی محمد، میراحمدی، منصور، صفوی، حمزه (۱۳۹۵)، **بررسی مقایسه‌ای اصول فکری تشیع (با تمرکز بر امام خمینی ره) و نوسلفی‌گری (با تمرکز بر داعش)**، **رهیافت انقلاب اسلامی**، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۳۹-۵۶.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، **ولایت فقیه (حکومت اسلامی)**، چاپ نهم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله (بی تا)، **کشف الاسرار**، قم: انتشارات آزادی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، **کشف الاسرار**، قم: آزادی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۲)، **کتاب البیع**، قم: اسماعیلیان.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، **ولایت فقیه**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح‌الله (۱۳۹۴)، **ولایت فقیه: حکومت اسلامی**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۴)، **صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی ره)**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۴)، **موانع ساختاری برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران**، در داوود کیانی، **منافع ملی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، **جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه شناسی سیاسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- رجبی، محمدحسین (۱۳۷۴)، **زندگی سیاسی امام خمینی**، تهران: انتشارات قبله.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۹۴)، **تکنیک‌های خاص تحقیق در رشته علوم اجتماعی**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رهبری، مهدی (۱۳۹۳)، **جنبش‌های اجتماعی (کلاسیک، مدرن، پست مدرن)**، تهران: کویر.
- سعید، بابی (۱۳۷۹)، **هراس بنیادین: اروپا مدارای و ظهور اسلام سیاسی**، ترجمه غلامرضا جمشیدی و موسی عنبری، تهران: دانشگاه تهران.
- عابدی، محجوبه، وزیری، مجید (۱۳۹۹)، **آینده فقه و احکام سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)**، رویکردی آینده پژوهی، **رهیافت انقلاب اسلامی**، سال چهاردهم، شماره ۵۰، صص ۱۹۱-۲۰۸.
- عباسی، مجید و یوسف سیفی (۱۳۹۲)، **بازتاب‌های سازه انگارانه انقلاب اسلامی ایران بر آغاز بیداری اسلامی در جهان اسلام**، **پژوهش‌های سیاست اسلامی**، سال اول، شماره چهاردهم.
- فاضلی نیا، نفیسه (۱۳۸۸)، **انقلاب اسلامی و تغییر موازنه قدرت در عرصه جهانی**، **گزارش جمهور**، سال اول، ش ۵۴.
- فرانکفورد، چاوا و نجمیاس، دیوید (۱۳۹۰)، **روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی**، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضل، تهران: سروش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۰) **مجموعه مقالات «گذری بر انقلاب اسلامی ایران»**، تهران: دانشگاه تهران.
- کلاتری، ابراهیم، موسوی، سعید (۱۳۹۷)، **ارزیابی تطور اندیشه سوسیالیستی امام خمینی (ره) با تاکید بر نظریه ولایت مطلقه فقیه**، **پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی**، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۸۱-۲۰۴.
- کیوی، ریمون، کامپنهود، لوک وان (۱۳۷۹)، **روش تحقیق در علوم اجتماعی**، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: توتیا.
- گارثویت، جین رالف (۱۳۸۷)، **تاریخ سیاسی ایران از شاهنشاهی هخامنشی تا کنون**، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران: اختران.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۷)، **هویت ملی از آغاز تا ورود اسلام به ایران**، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- لعل‌علیزاده، محمد (۱۳۹۷)، **شعارهای انتخاباتی و سیاست خارجی؛ بررسی مقایسه‌ای رابطه شعارهای انتخاباتی احمدی نژاد و روحانی و اتخاذ راهبردهای سیاست خارجی آنها**، **دانش انقلاب اسلامی**، شماره ۱۰.
- موسوی، سیدمحمد (۱۳۹۰)، **ماهیت سیاسی دولت پهلوی**، **سیاست**، دوره ۴۱، شماره ۱.
- نادری باب اناری، مهدی، حاجی حسن، ملیحه (۱۳۹۵)، **ابعاد نظری و عملی تکلیف‌گرایی در اندیشه امام خمینی**، **رهیافت انقلاب اسلامی**، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۹۵-۱۱۶.

- هاشمی، محمد (۱۳۷۴)، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، جلد اول، تهران: شهید بهشتی.
- هانتینگتن، ساموئل (۱۳۷۹)، موضوعات میان تمدنی غرب و سایر کشورها، ترجمه زهره پوستین چی، **نامه مفید**، شماره ۲۱.
- Kurth, James, *Global Threat and American strategies from communism in 1955 to Islamism in 2002*, The Washington Quarterly, 2005.
- Moaddel, Mansoor (August 2010), *Religious regimes and prospects for liberal politics: Futures of Iran, Iraq and Saudi Arabia futures*, volume 42, Issue 6, pp 232-544.